

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی رابطه بین اندازه شرکتها و هزینه‌های سیاسی

نوید جوادی^۱

چکیده

در این تحقیق، ارتباط بین اندازه شرکتها و هزینه‌های سیاسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. مدیران شرکتهای بزرگتر، با ثابت بودن سایر شرایط، به احتمال زیاد روش‌های حسابداری را انتخاب می‌کنند که سود را از دوره جاری به دوره‌های بعد منتقل کنند. فرضیه اندازه بر مبنای این فرض است که شرکتهای بزرگ از نظر سیاسی حساس‌تر می‌باشند و انتقال ثروت آنها (هزینه‌های سیاسی) در مقایسه با شرکتهای کوچکتر نسبتاً بیشتر است. در این تحقیق اندازه شرکتها بر اساس میانگین دارایی‌های سه ساله ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و میانگین شرکت سال محاسبه شده است. بر اساس ادبیات موجود، در تحقیقات گذشته، هزینه‌های سیاسی مجموع هزینه‌های مالیات، بیمه، کمک‌های بلاعوض، هزینه‌های نگهداری از محیط زیست و کمک به فعالیت‌های ورزشی در نظر گرفته شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بین اندازه شرکتها و هزینه‌های سیاسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. مطالعه ارتباط بین هزینه‌های سیاسی و اندازه شرکتها می‌تواند مدیران را در تدوین برنامه‌های بلندمدت شرکتها کمک نماید.

واژگان کلیدی: هزینه‌های سیاسی، اندازه شرکتها، دارایی‌های شرکتها

۱. مقدمه

بر اساس فرضیه هزینه های سیاسی ارائه شده توسط واتس و زیمرمن (۱۹۷۸)، سیاستمداران این قدرت را دارند تا با استفاده از سیاست های توزیع درباره ثروت، منابع شرکتها را تحت تاثیر قرار دهند. همچنین پاداش های نقدی از عوامل اصلی و موثر بر ثروت مدیران، می باشد. دگرگونی ها در جریان نقدی می تواند بوسیله مالیات، مقررات ویژه و اطلاعات مربوط به هزینه-های سیاسی تحت تاثیر قرار گیرد. بنابراین مدیران مجبورند قوانین و مقرراتی را در نظر بگیرند که روی آنها تاثیر می گذارند و در صورت امکان آنها را کنترل نمایند.

بر اساس فرضیه هزینه های سیاسی، هرچه اندازه شرکتها بزرگتر باشد، مدیران آن شرکتها تمایل بیشتری دارند درآمد گزارش شده را از دوره های فعلی به دوره های آتی انتقال دهند تا هزینه های سیاسی را کاهش دهند که به علت قرار گرفتن شرکت در دید سیاسی، بر آنها تحمیل می شود.

بر اساس پژوهش های واتس و زیمرمن (۱۹۷۸) درباره رابطه بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتها، که شرکتهای بزرگتر هزینه های سیاسی بیشتری را متحمل می شوند. واتس و زیمرمن در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نرخ مالیات در طول زمان و بین همه شرکتها و صنایع یکسان نیست.

۲. بیان مساله

گروه های سیاسی برای اثر گذاری بر فرایند سیاسی، هزینه هایی را متحمل می شوند که می تواند شامل هزینه مبارزات انتخاباتی و پشتیبانی از سیاستمدارانی باشد که به طور معمول، بخشی از این هزینه ها را در شرکتها در فراخور زمان متحمل می گردند بنابراین آشنایی با اثر فرآیند و تصمیمات سیاسی بر جریانهای نقدی شرکتها ضرورت ویژه ای دارد و از منابع مهم و حیاتی هر واحد تجاری می باشند. این مطالعه می تواند شناخت مدیران را افزایش داده و اهمیت هزینه های سیاسی را برای آنان مشخص نماید.

افزایش بهای تمام شده محصولات و خدمات شرکتها از عواملی است که توان رقابتی شرکتها را کاهش می دهد. هزینه های سیاسی، از هزینه های شرکتها است و تشخیص و کنترل این هزینه می تواند در افزایش توان رقابتی شرکتها در بازار های داخلی و حتی بین المللی مفید باشد بنابراین با شناخت ماهیت و میزان کنترل پذیری این هزینه ها می توان میزان سوددهی و توان رقابت شرکت را کنترل کرد.

نو بودن مفهوم هزینه‌های سیاسی در ایران و آشنایی بیشتر با این نوع هزینه‌ها، توسط مدیران ارشد شرکتها و فعالان در بورس اوراق بهادار و متخصصان حرفه، می‌تواند پایه‌گذار پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد.

این پژوهش، به دنبال بررسی ابعاد هزینه‌های سیاسی در شرکتها (بزرگ و کوچک) و مطالعه رابطه بین این هزینه‌ها با اندازه شرکتهاست.

۳. مبانی نظری پژوهش

برای اندازه‌گیری هزینه‌های سیاسی در شرکتها مبالغ مالیاتها، هزینه‌های سیاسی، هزینه بیمه بازنشستگی، هزینه عوارض گمرکی، هزینه‌های کمک به ورزش و کمک به ایجاد فضاهای آموزشی در نظر گرفته شده است که در این قسمت ماهیت فرایند هزینه‌های سیاسی و همچنین تاثیر آن بر روش‌های حسابداری و اندازه شرکتها مورد بحث قرار گرفته است.

۳-۱. هزینه‌های سیاسی

هزینه‌های سیاسی، هزینه‌هایی هستند که برای تداوم فعالیت و حیات موسسه تجاری بنا به الزامات قانونی و عرفی و محیط اقتصادی ضروری می‌باشد. این هزینه‌ها یا به واسطه اعمال قانونی و مصوبات قانونی یا از طریق فشارهای سیاسی به شرکتها تحمیل می‌شود. از این هزینه‌های سیاسی می‌توان به مالیات، بیمه بازنشستگی، هزینه‌های ناشی از کمک‌های بلاعوض به اشخاص، ارگانها و نهادها، کمک به ورزش، حقوق گمرکی صادرات، هزینه حفظ محیط زیست، هزینه توسعه فضاهای آموزشی، وجوه پرداختی به اتحادیه‌های کارگری و سایر مراجع رسمی و غیر رسمی اشاره کرد (پور حیدری و هم‌تیمی، ۱۳۸۶).

سیاستمداران و مشتریان، اغلب مواقع از اطلاعات حسابداری برای مقایسه تلاش‌های بعمل آمده برای تخصیص دوباره منابع بین خود به عنوان هزینه شرکت استفاده می‌نمایند این تخصیص دوباره ممکن است توسط قوانین و مقررات دولتی (نرخ‌های مالیاتی، مالیات بر صادرات و واردات، حقوق و عوارض گمرکی، حق حفاظت از اموال و دارایی‌های شرکت) یا بوسیله گروه‌های متولی دولت و قانون‌گذاران مثل اتحادیه‌های کارگری ایجاد گردند. بنابراین هرگونه تلاش پیروز برای توزیع دوباره منابع شرکتها به خارج شرکتها به عنوان هزینه‌های سیاسی شناخته می‌شود (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶).

الف. مالیاتها

مالیات از اقلام با اهمیت و اساسی و همچنین جزئی از هزینه های سیاسی می باشد و به عنوان هزینه های سیاسی اجباری در نظر گرفته می شود .

ب. هزینه های محیط زیست

از هزینه های سیاسی اجباری ، هزینه های مربوط به ملاحظات محیط زیست است و این هزینه نیز در تحقیقات واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) مانند مالیات جزئی از هزینه های سیاسی در نظر گرفته شده است .

دولتها برای جلوگیری از انحطاط محیط زیست در جستجوی راه حل های جدید می باشند. واضح است که حفاظت محیط زیست به سیستم مدیریتی مستقل نیاز دارد. سیستم اطلاعات حسابداری نیز به عنوان یکی از بخش های مهم سیستم اطلاعات مدیریت می تواند نقش به سزایی ارائه اطلاعات زیست محیطی ایفا نماید. (سجادی و جلیلی، ۱۳۸۶)

از هزینه هایی که برخی از شرکتهای، گاه بصورت اجباری و در برخی از موارد بصورت اختیاری، پرداخت می نمایند، کمک هایی است که برای حفاظت از محیط زیست پرداخت می شود در بسیاری از کشورها برای جلوگیری از ، از بین رفتن محیط زیست بسیاری از شرکتهای را بر طبق قوانین و مقررات ملزم به متحمل شدن هزینه هایی از این بابت می نمایند که در تحقیقات واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) این نوع هزینه ها که براساس قوانین بر شرکت تحمیل می شود ، جزئی از هزینه های سیاسی محسوب می شود. (سجادی، و جلیلی ۱۳۸۶)

ج. هزینه بیمه بازنشستگی

بر اساس قانون کار و همچنین فشارهای وارده از طرف اتحادیه های کارگری شرکتهای موظفند کارکنان خود را بیمه کنند و همچنین بر اساس قانون کار باید ۲۳ درصد از هزینه بیمه را شرکت (به عنوان کارفرما) پرداخت نماید بنابراین می توان گفت که این هزینه ، هزینه ای است که بر اساس قوانین بر شرکت تحمیل شده و شرکت نیز برای تداوم فعالیت باید آن را پرداخت نماید پس می توان هزینه بیمه را نوع هزینه سیاسی تلقی کرد. (فیروزی، ۱۳۸۷)

د. هزینه عوارض گمرکی

بر اساس قوانین کشورهای مختلف، درصد های مختلفی را به عنوان عوارض گمرکی از شرکتها برای انجام عملیات تجاری خارجی دریافت می نمایند این مبالغ نوعی هزینه برای شرکتها به حساب می آید. هزینه عوارض گمرکی، نوعی هزینه سیاسی اجباری تلقی می گردد زیرا شرکتها برای انجام عملیات عادی خود مانند خرید مواد اولیه یا فروش محصول یا تهیه قطعات و لوازم یدکی خود ناچار به پرداخت آن می باشند. (فیروزی، ۱۳۸۷)

ه. هزینه های کمک به ورزش و کمک به ایجاد فضا های آموزشی

این نوع هزینه ها، معمولاً اختیاری بوده و بر اساس قوانین و مقررات بر شرکت تحمیل نمی شود، در بعضی از موارد، این نوع هزینه ها به علت تصمیمات مدیران برای شرکت ایجاد می گردد برای نمونه، هزینه کمک به ورزش، نوعی هزینه اختیاری بوده و هیچ قوانینی شرکت را ملزم به پرداخت آن، نمی نماید اما مدیر شرکت به علت کمک و یا طرفداری از تیم ورزشی، این نوع هزینه را پرداخت می نماید و همچنین هزینه کمک به توسعه یا ایجاد فضاهای آموزشی نیز از این نوع هزینه ها می باشند. (نورانی، ۱۳۸۶)

۲-۳. ماهیت فرایند سیاسی

فرآیند سیاسی باعث می شود شرکت های دارای حساسیت سیاسی، روش هایی را انتخاب کنند که سود را به تعویق اندازد. به هر حال، احتمال دارد که فرآیند سیاسی، انگیزه هایی برای کاهش واریانس تغییرات سود گزارش شده به وجود آورد. واریانس از این لحاظ مهم است که احتمال می رود مقررات دولتی در دوره هایی وضع شود که سود زیاد است و در دوره های بعد که سود پایین تر است توجهی به آن صورت نگیرد. این عدم تقارن با هزینه های اطلاعات سازگار است. رسانه ها اغلب درصد افزایش را در مقایسه با دوره مشابه سال قبل محاسبه می کنند. (سولومنز، ۱۹۷۸)^۱

استفاده از ارقام حسابداری به این شکل باعث می شود، مدیران برای کاهش واریانس سود گزارش شده تلاش کنند. معمولاً افزایش ها و درصدهای مثبت بالا جلب توجه می کند و به عنوان شهادی بر وجود بحران یا انحصارگرایی به کار می رود. (سوری، ۱۳۸۴)

^۱) Solomons

در فرآیند سیاسی دو نظریه مطرح است که در یک نظریه مطرح شده، فرآیند سیاسی روشی برای مقابله با ضعف های شناخته شده در بازار است (حمایت از منافع عامه) و نظر دیگر این است که در فرآیند سیاسی مانند بازار، منفعت شخصی مطرح است و فرآیند سیاسی، میدانی برای کسب ثروت می باشد. (سولومنز، ۱۹۷۸)

۳-۳. تاثیر فرآیندهای سیاسی بر روش های حسابداری

در این بخش، نظریه های اقتصادی فرآیند سیاسی در حسابداری مورد استفاده قرار گرفته و بسط و توسعه یافته است. مخصوصاً، اگر ارقام حسابداری (مثلاً سود) در فرآیند سیاسی برای حمایت از وضع مقررات دولتی (مثلاً مالیات بر سودهای بادآورده) یا در اداره مقررات موجود (برای نمونه قیمت گذاری کالا و خدمات عمومی) به کار رود، چه انگیزه هایی برای مدیران در انتخاب روش های حسابداری به وجود خواهد آمد؟ در این بخش، بعضی از انگیزه های انتخاب روش ها است که در نتیجه فرآیند سیاسی ایجاد می شود. (شباهنگ، ۱۳۸۱)

استفاده سیاستمداران و قانون گذاران از ارقام سود، این فرضیه را مطرح کرده است که مدیران شرکت ها انگیزه دارند که از آن گروه روش های حسابداری (مثل روش استهلاک تسریعی) استفاده کنند که سود گزارش شده را کاهش می دهد. سود گزارش شده پایین، تر احتمال اقدامات مخالف از سوی دولت را کاهش و احتمال برقراری یارانه های دولتی را افزایش می دهد، اگر سیاستمداران و قانون گذاران ارقام سود را بابت انتخاب روش های حسابداری کاهنده سود توسط مدیریت، تعدیل نکنند، تا زمانی که بی اثر کردن انتخاب روش های حسابداری برای اشخاص ثالث هزینه داشته باشد، مدیریت انگیزه دارد روش های کاهنده سود را در سال جاری انتخاب کند. سیاستمداران سعی می کنند تورم را از طریق برنامه ها و قوانین مختلف حل کنند (برای مثال کنترل قیمت ها و دستمزدها، کنترل قیمت مواد سوختی، محدودیت واردات و سیاست های مالی و پولی). بعضی از این برنامه های دولتی از ارقام حسابداری استفاده می کنند. برای نمونه، در سال ۱۹۷۸ دستورالعمل ۱۲۰۹۲ صادر شد. هدف این دستورالعمل کاهش تورم از طریق نظارت بر قیمت قراردادهای دولتی بود. به هر حال شرکت هایی که سود آنها افزایش نیافته بود مشمول این دستورالعمل نبودند. این موضوع، نمونه دیگری است که چگونه فرآیند سیاسی انگیزه هایی را برای مدیران برای انتخاب روش های حسابداری کاهنده سود، به وجود می آورد. (ارنولد، ۱۹۹۰)

۴-۳. اندازه شرکتها

مدیران شرکت‌های بزرگ‌تر با ثابت بودن سایر شرایط، به احتمال زیاد روش‌های حسابداری را انتخاب می‌کنند که سود را از دوره جاری به دوره‌های بعد منتقل کنند. فرضیه اندازه بر مبنای این فرض است که شرکت‌های بزرگ از نظر سیاسی حساس‌تر می‌باشند و انتقال ثروت آنها (هزینه‌های سیاسی) در مقایسه با شرکت‌های کوچک‌تر نسبتاً بیشتر است. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) این فرض را مورد آزمون قرار داد. مستقیم‌ترین روش برای انتقال دارایی‌های شرکت‌ها از طریق سیستم مالیات است و مالیات بر درآمد جزیی از هزینه‌های سیاسی است که توسط شرکت تحمل می‌شود. (واتس و زیمرمن - ۱۹۸۶)

واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) ارتباط تجربی بین نرخ‌های مالیاتی و اندازه شرکت را بررسی کرد. اجزای غیرمالیاتی هزینه سیاسی و نیز منافع سیاسی (قراردادهای دولتی سودآور، محدودیت واردات و غیره) که ممکن است تاثیر مخالف یا خنثی‌کننده داشته باشد، در این بررسی در نظر گرفته نشد. در این تحقیق فروش به عنوان معیار اندازه شرکت انتخاب شد. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) شواهدی یافت که شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر، نرخ مالیاتی بالاتری دارند، اما این ارتباط طی زمان و بین صنایع مختلف متفاوت بود و این بیانگر این است که اندازه شرکت نماینده خوبی برای هزینه‌های سیاسی نمی‌باشد. زیمرمن اطلاعات صورت‌های مالی و اطلاعات اظهارنامه‌های مالیاتی را تجزیه و تحلیل کرد تا مطمئن شود که ارتباط مشاهده شده ناشی از ویژگی‌های خاص سیستم حسابداری نباشد. نتایج حاصل از هر دو مشابه بود. با استفاده از اطلاعات منتشر شده صورت‌های مالی، نرخ موثر مالیات برای هر شرکت برای سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۴۷ محاسبه شد که اطلاعات آن موجود بود. نرخ موثر مالیات به عنوان نسبت مالیات شرکت (هزینه مالیات شرکت به کسر تغییر در مالیات انتقالی به دوره آتی) به جریان‌های نقدی عملیاتی یا سود قبل از مالیات تعریف شد. انتخاب متغیر متفاوت در مخرج نتیجه را تغییر نداد. قدم بعدی طبقه‌بندی شرکت‌ها در یکی از سبدهای «بزرگ» یا «سایر» بود. بزرگ‌ترین ۵۰ شرکت به عنوان «بزرگ» و سایر شرکت‌ها به عنوان سایر طبقه‌بندی شدند. نرخ مالیات در هر یک از این دو سبدها برای هر سال محاسبه شد. میانگین‌ها تا دهه ۱۹۷۰ تفاوتی نداشتند. نرخ‌های مالیاتی از زمان جنگ کره برای هر دو گروه کاهش یافت، به جز در دهه ۱۹۷۰ که میانگین نرخ مالیات پرتفوی «بزرگ» افزایش یافت نتایج حاصل از تحقیق، بیانگر آن است که بین اندازه شرکت و نرخ‌های مالیاتی در طی زمان یا بین صنایع، ارتباط یکنواختی وجود ندارد. اندازه شرکت (که بر حسب فروش اندازه‌گیری شده) نماینده کاملی برای حساسیت

سیاسی نیست که از طریق نرخ‌های موثر مالیات اندازه‌گیری می‌شود. این یافته‌ها عنوان می‌کند که فرضیه اندازه مشکلاتی دارد. بخش بعد بعضی از این مشکلات و ارتباط آن را با نظریه اقتصادی فرآیند سیاسی بیان می‌کند. (واتس و زیمر من، ۱۹۸۶)

نظریه اقتصادی فرآیند سیاسی به طور کامل تدوین نشده است. در حالی که این متون پیشرفت‌هایی را در توسعه فرضیه‌های قابل آزمون به وجود آورده، با این وجود سوالات پاسخ داده نشده و فرضیه‌های کشف نشده بسیاری وجود دارد. برای نمونه، نظریه اقتصادی قادر به تبیین مساله انتقال ثروت نمی‌باشد. انتقال می‌تواند به صورت یارانه نقدی مستقیم، حمایت دولت، کسورات، اعتبارات مالیاتی یا قراردادهای دولتی صورت گیرد. (بنی مهد، ۱۳۸۷)

۴. پیشینه تحقیق

۴.۱. پیشینه تحقیق در خارج از کشور

- واتس و زیمرمن (۱۹۷۸)، رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد شرکتها، با اندازه شرکت با عنوان بررسی رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد شرکتها و هزینه های سیاسی مورد بررسی قرار داده اند. آنان به این نتیجه رسیدند که ارتباط بین اندازه شرکت و نرخ مالیات در طول زمان و میان همه صنایع یکسان نیست.
- دیگن و هالام^۱ (۱۹۹۱) طی مطالعاتی نشان دادند شرکتهای دارای سهم بیشتری از بازار مربوط به صنعت خود به احتمال خیلی زیاد، هزینه سیاسی بیشتری خواهند داشت. فرضیه تحقیق به این صورت مطرح شد: «شرکتهایی که دارای سهم بیشتری از بازار مربوط به صنعت خود می باشند هزینه های سیاسی بیشتری متحمل می شوند» در این مطالعه، سهم بازار بر اساس جمع کل دارایی ها محاسبه شد. نتایج بدست آمده از تحقیق فرضیه را تایید نمود.
- تحقیق توسط داروغ و همکاران (۱۹۹۸)، در زمینه ارتباط بین تعداد کارکنان و فشار های سیاسی صورت گرفت. نتایج نشان می دهد شرکتهای دارای کارکنان بیشتر، فشارهای سیاسی وارده بر آنها نیز بیشتر خواهد بود در نتیجه مدیریت این نوع واحدها برای کاهش فشار وارده اقدام به کاهش سود می نمایند فشار های وارده به طور عمده از سوی شوراهای کارگری می باشد که خواهان حقوق و مزایا و امکانات بیشتری برای کارگران می باشند در این راستا

^۱) Digan & hallam

مدیران اقدام به کاهش سود برای افزایش قدرت چانه زنی خود با شورا های کارگری می کنند همچنین نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین میزان پاداش و دستکاری سود، ارتباط وجود ندارد .

- در مطالعه گود فری و جونز^۱ (۱۹۹۹) به عنوان اثرات هزینه های سیاسی بر هموارسازی سود از مبنای سهم بازار استفاده گردیده است . فرضیه این تحقیق عبارت بود از اینکه آیا هزینه های سیاسی بر هموارسازی سود تاثیری دارد یا خیر؟ نتایج بدست آمده نشان می دهد «شرکتهایی که در بخش بانکداری ، مالی ، تحقیقاتی ، بنیادی و خدمات شهری فعالیت می نمایند هزینه های سیاسی بیشتری را نیز متحمل می شوند. »

۴.۲. پیشینه تحقیق در داخل کشور

- ابراهیمی و شهریاری (۱۳۸۷) رابطه بین برخی از نمایندگان هزینه سیاسی و محافظه کاری حسابداری در شرکت های ایرانی را بررسی کردند . آنان به این نتیجه رسیدند که بین اندازه شرکتها و شدت سرمایه گذاری با محافظه کاری ، رابطه منفی و بین درجه رقابت در صنعت و مالکیت دولتی با محافظه کاری رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان می دهد که بین نرخ موثر مالیاتی و ریسک با محافظه کاری رابطه معناداری وجود ندارد.
- پورحیدری و همتی (۱۳۸۶) در تحقیق خود معیارهای دیگری برای اندازه شرکت استفاده شد. این معیارها عبارت از " سهم بازار صنعت مورد عضویت ، بازده سرمایه گذاری ، تعداد کارکنان ، تعداد سهامداران ، گزارشگری مسئولیت اجتماعی و میزان پوشش خبری " بود. به طور خلاصه ، فرضیه این تحقیق عبارت از ارتباط سهم بازار ، تعداد کارکنان ، تعداد سهامداران ، گزارشگری مسئولیت اجتماعی و میزان پوشش خبری و میزان هزینه های سیاسی است نتایج بدست آمده نشان داد که اندازه شرکت ، سهم بازار ، تعداد کارکنان ، تعداد سهامداران ، گزارشگری مسئولیت اجتماعی و میزان پوشش خبری، اثر مشابهی بر هزینه های سیاسی دارند.

۵. سوالات تحقیق

در این تحقیق، سوالات تحقیق به شرح زیر می باشد:

- ۵-۱. آیا بین اندازه شرکتها و هزینه های سیاسی، رابطه معنی داری وجود دارد؟
- ۵-۲. آیا بین شرکت های بزرگ و هزینه های سیاسی، رابطه معنی داری وجود دارد؟

^۱ Godfrey & Jones , ۱۹۹۹

۳-۵. آیا بین شرکتهای کوچک و هزینه‌های سیاسی، رابطه معنی داری وجود دارد؟

۴-۵. آیا بین نسبت هزینه‌های سیاسی به درآمد های شرکتهای بزرگ با نسبت هزینه‌های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک، تفاوت معنی داری وجود دارد؟

۶. فرضیه های پژوهش

با توجه به مطالب مطرح شده در مبانی و پیشینه و سوالات مطرح شده در تحقیق، فرضیه های پژوهش به این شرح می باشد:

فرضیه اول: بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتهای، همبستگی معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: نسبت هزینه‌های سیاسی به درآمد های شرکتهای بزرگ، تفاوت معنی داری با همین نسبت در شرکتهای کوچک دارد.

۷. متغیر های تحقیق

در این تحقیق، دوفرضیه وجود دارد که در فرضیه اول اندازه شرکتهای متغیر وابسته و هزینه‌های سیاسی متغیر مستقل می باشد. که اندازه شرکتهای بر اساس میزان دارایی ها، تعیین شده و این تحقیق اطلاعات سه ساله ۸۸ تا ۹۰ را در نظر گرفته شده و از لگاریتم دارایی ها به عنوان شاخصی برای اندازه شرکتهای استفاده شده است.

در فرضیه دوم نسبت هزینه‌های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ و کوچک به عنوان متغیر مستقل و اندازه شرکتهای متغیر وابسته می باشد از نسبت هزینه‌های سیاسی به عنوان شاخصی برای میزان هزینه‌های سیاسی در نظر گرفته شده است.

علت اصلی استفاده از دوره های مالی فوق این است که همه اطلاعات صورتهای مالی شرکتهای منتخب در این سه دوره مالی وجود داشتند به عبارت دیگر قبل یا بعد از این دوره‌های مالی اطلاعات صورتهای مالی برخی از شرکتهای کامل نبوده و یا در دسترس نبوده است.

۸. روش تحقیق

در این تحقیق از روش استقرایی قیاسی استفاده شده و روش به کار رفته در این تحقیق، از نوع همبستگی برای توصیف و داده های کتابخانه‌ای می باشد. توصیفی از آن جهت که داده های آماری همان صورت که جمع شده اند بدون هیچ تغییری

توصیف می شوند و در روابط بین متغیرها ارزیابی می گردند. کتابخانه ای از آن جهت که اطلاعات مورد نیاز از روی اسناد و مدارک موجود در سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. (حسینی، ۱۳۸۲)

۸-۱. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق شرکتهای عضو بورس اوراق بهادار تهران تا زمان جمع آوری اطلاعات می باشند.

۸-۲. نمونه آماری

در طی سالهای ۸۸ تا ۹۰ که قلمرو زمانی این تحقیق می باشد با مراجعه به بورس اوراق بهادار تهران از کل شرکتهای پذیرفته شده در بورس، به دلیل زیر پژوهشگر تعدادی از این شرکتها را از کل جامعه آماری خارج کرده است:

شرکتهای سرمایه گذاری در نمونه آماری در نظر گرفته نشده است چون این شرکتها شامل سرمایه گذاری در سایر شرکتها می باشد. به عبارت دیگر علت در نظر نگرفتن این شرکتها این است که سهام شرکتهای سرمایه گذاری، همان شرکت های عضو بورس اوراق بهادار می باشند.

۹. تجزیه و تحلیل داده ها

۹-۱. آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل آن

بر اساس اطلاعات به دست آمده در نمونه، ابتدا میانگین لگاریتم دارایی ها محاسبه گردیده و عدد میانگین برای تعیین اندازه (بزرگی و کوچکی) شرکتها، استفاده شده است. طوری که از ۹۹۰ شرکت سال تعداد ۵۲۵ شرکت سال، دارای لگاریتم دارایی هایی بزرگتر از میانگین دارایی ها بوده و بنابراین به عنوان شرکت بزرگ در نظر گرفته شده و بقیه شرکتها (تعداد ۴۶۵ شرکت) به عنوان شرکت کوچک طبقه بندی شده است و همچنین برای داده های جمع آوری شده، مد (نما) محاسبه شده است که از این متغیر برای مشخص کردن بزرگترین شرکت در جامعه نمونه و حذف شرکتهای سرمایه گذاری استفاده شده است.

۹-۲. آزمون فرضیات تحقیق

۹-۲-۱. آزمون فرضیه اول

ابتدا دارایی ها و هزینه ها و درآمدهای ۹۹۰ شرکت سال از گزارش های مالی سال های ۸۸ تا ۹۰ جمع آوری شده و بعد از دارایی های شرکت سالها لگاریتم گرفته شده و همچنین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدها نیز برای شرکت سالها محاسبه شده و در نرم افزار آماری SPSS آزمون مربوط به بررسی رابطه بین دارایی ها و هزینه های سیاسی انجام شده است. و سپس رابطه بین لگاریتم دارایی ها و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدها برای شرکتهای بزرگ و کوچک به طور جداگانه مورد آزمون قرار گرفته است و نتایج آن بصورت جدول شماره (۱) می باشد :

جدول شماره (۱)

نتیجه		تعداد	نام متغیر	نام آزمون
نرمال	۱,۰۰۰	۹۷۸	لگاریتم دارایی	چی اسکویئر ^۱
نرمال	۰,۹۶	۹۶۵	هزینه های سیاسی	
نرمال	۰,۸۹	۵۱۹	نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ	
نرمال	۰,۹۱	۴۶۰	نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک	

با توجه به اینکه عدد آلفا (۰,۰۵) می باشد و p value بدست آمده از نتایج آزمون ها بزرگتر از عدد آلفا می باشد در نتیجه ، توزیع تمام متغیرهایی دارای توزیع نرمال ،مورد آزمون قرار گرفته اند.

فرضیه اول به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بین هزینه های سیاسی و حجم دارایی های شرکتها رابطه معنی داری وجود دارد یا خیر؟ بنابراین همبستگی میان اندازه شرکت و هزینه های سیاسی مورد آزمون قرار می گیرد :

^۱ Chi- Square

بین لگاریتم دارایی ها و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدها همبستگی وجود ندارد: H_0

بین لگاریتم دارایی ها و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدها همبستگی وجود دارد: H_1

با استفاده از آزمون پیرسون (correlation-pearson) همبستگی بین اندازه شرکت سالها (که با لگاریتم حجم دارایی های شرکتها برای سال ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ اندازه گیری شده) و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد ها مورد آزمون قرار گرفته که نتیجه این آزمون به صورت جدول شماره (۲) می باشد:

جدول شماره (۲)

نتیجه		تعداد	نام متغیر	نام آزمون
همبستگی	۰٫۶۸۳	۹۶۵	لگاریتم دارایی	پیرسون
مستقیم		۹۶۵	هزینه های سیاسی	

بنابراین $p\text{ value}=۰٫۶۸۳$ چون عدد $p\text{ value}$ از عدد آلفا (۰٫۰۵) بیشتر می باشد در نتیجه فرضیه صفر رد می شود یعنی بین اندازه شرکت سالها (که با لگاریتم حجم دارایی های شرکتها برای سال ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ اندازه گیری شده) و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای این شرکتها، همبستگی مستقیم وجود دارد. یعنی با بزرگتر شدن اندازه شرکتها میزان هزینه های سیاسی آنها نیز بیشتر می شود.

پس از آزمون مربوط به فرضه اول، از لگاریتم دارایی ها، میانگین گرفته شده و سپس شرکتهایی که لگاریتم دارایی های آنها از میانگین کل لگاریتم دارایی ها بیشتر بوده به عنوان شرکتهای بزرگ طبقه بندی شده و بقیه شرکتها به عنوان شرکتهای

کوچک در نظر گرفته شده است سپس آزمون فرضیه اول بطور جداگانه برای شرکتهای بزرگ و کوچک به صورت زیر انجام شده است .

بین لگاریتم دارایی های شرکتهای بزرگ و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود ندارد. : H_0

بین لگاریتم دارایی های شرکتهای بزرگ و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای آنها همبستگی وجود دارد. : H_1

جدول شماره (۳)

نتیجه		تعداد	نام متغیر	نام آزمون
همبستگی مستقیم	۰.۹۶۰	۵۲۰	لگاریتم دارایی شرکتهای بزرگ	پیرسون
		۵۲۰	هزینه های سیاسی شرکتهای بزرگ	

بنابر این $p\text{ value}=۰,۹۶۰$ بوده و چون عدد $p\text{ value}$ از عدد آلفا ($۰/۰۵$) بزرگتر می باشد فرضیه صفر رد می شود یعنی بین لگاریتم دارایی های شرکتهای بزرگ و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود دارد یعنی فرضیه اول برای شرکتهای بزرگ به جداگانه نیز مورد قبول می باشد .

بین لگاریتم دارایی های شرکتهای کوچک و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود ندارد. : H_0

بین لگاریتم دارایی های شرکتهای کوچک و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های آنها همبستگی وجود دارد. : H_1

جدول شماره (۴)

نتیجه		تعداد	نام متغیر	نام آزمون
همبستگی مستقیم	۰,۵۹۷	۴۶۱	لگاریتم دارایی شرکتهای کوچک	پیرسون
		۴۶۱	هزینه های سیاسی شرکتهای کوچک	

با استفاده از آزمون پیرسون همبستگی بین متغیرهای لگاریتم دارایی های شرکتهای کوچک و نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک مورد آزمون قرار گرفته که نتیجه عدد $0/597$ را مشخص می کند ($p \text{ value} = 0,597$) در نتیجه چون عدد $p \text{ value}$ از α ($0/05$) بزرگتر می باشد فرضیه صفر رد می شود یعنی بین متغیرهای لگاریتم دارایی های شرکتهای کوچک و نسبت هزینه های سیاسی به درآمد های شرکتهای کوچک ارتباط معنی داری وجود داشته و با بزرگتر شدن اندازه شرکتهای هزینه های سیاسی آنها بیشتر می شود .

۲-۲-۹. آزمون فرضیه دوم

در این تحقیق بررسی اینکه آیا بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمد ها در شرکتهای بزرگ با این نسبت در شرکتهای کوچک تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر در فرضیه دوم مورد آزمون قرار گرفته است :

بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ با نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک تفاوت معنی داری وجود ندارد. : H_0

بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ با نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک تفاوت معنی داری وجود دارد. : H_1

که نتایج آزمون به صورت جدول شماره (۵) می باشد :

جدول شماره (۵)

نتیجه		تعداد	نام متغیر	نام آزمون
همبستگی مستقیم	۰٫۸۳۸	۵۲۰	نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ	پیرسون
		۴۶۰	نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک	

نتیجه آزمون نشان می دهد ($p \text{ value} = 0.838$) و چون عدد $p \text{ value}$ از عدد آلفا (0.05) بیشتر می باشد در نتیجه فرضیه صفر رد می شود و می توان گفت که بین نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای بزرگ با نسبت هزینه های سیاسی به درآمدهای شرکتهای کوچک تفاوت معنی داری وجود دارد. به طور خلاصه اینکه روند افزایش هزینه های سیاسی در شرکتهای بزرگ نسبت به شرکتهای کوچک سریعتر بوده یعنی با بزرگتر شدن شرکتهای هزینه های سیاسی آنها نیز بیشتر شده بنابراین میزان و نسبت هزینه های سیاسی در شرکتهای بزرگ با همین نسبت در شرکتهای کوچک متفاوت می باشد .

۱۰. خلاصه و نتیجه گیری

فرضیه های این پژوهش همبستگی بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتهای را بررسی می کند و میانگین خالص دارایی های سه سال ۸۸ تا ۹۰ و لگاریتم دارایی های سه سال در این پژوهش به عنوان اندازه شرکت گزینش شده است به این معنی که با افزایش حجم دارایی های شرکتهای هزینه های سیاسی آنها نیز افزایش می یابد و با کاهش حجم دارایی های شرکت ، هزینه های سیاسی آن شرکت نیز کاهش می یابد .

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه اول نشان می دهد که بین اندازه شرکتها و هزینه‌های سیاسی آنها همبستگی با ضریب $0/638$ (جدول شماره ۲) وجود دارد یعنی با بزرگتر شدن اندازه شرکتها، هزینه های سیاسی که آنها متحمل می شوند افزایش می یابد. همچنین نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می دهد که همبستگی در واحدهای بزرگ با ضریب $0/960$ (جدول شماره ۳) می باشد و در واحدهای کوچک ضریب همبستگی $0/597$ (جدول شماره ۴) می باشد بر اساس یافته‌های تحقیق میانگین دارایی‌ها و میانگین هزینه‌های سیاسی در شرکتهای بزرگتر بیشتر از میانگین دارایی‌ها و هزینه‌های سیاسی در شرکتهای کوچکتر می باشد بدین معنی که هر چه دارایی های یک شرکت افزایش یابد هزینه های سیاسی بیشتری نیز متحمل می شود.

بر اساس یافته های پژوهش برخی از اقلام هزینه های سیاسی مانند مالیاتهای تکلیفی و حق بیمه کارفرما بر اساس قوانین و مقررات بر شرکتهای تحمیل می گردند و شرکتهای نیز ناگزیر به تحمل آنها می باشند به عبارت دیگر، این هزینه ها ، هزینه‌های غیرقابل اجتناب و غیرقابل کنترل می باشند لیکن بخش دیگری از هزینه‌های سیاسی مانند کمک به ورزش و کمک به فضاهای آموزشی و یا کمک به سایر نهادها و ارگانها از نوع اجباری نبوده و اختیاری می باشد بنابراین این بخش از هزینه ها قابل کنترل و قابل اجتناب می باشند و برای کاهش بهای تمام شده محصولات و خدمات و افزایش توان رقابتی داخلی و بین المللی لازم است که مدیران مسئول آن، مراکز هزینه های سیاسی را شناسایی نمایند .

البته در حذف و کاهش این اقلام از هزینه های سیاسی باید به اثرات بلند مدت آن نیز توجه شود و با دقت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند زیرا در برخی از موارد ممکن است اثرات منفی آتی اجتناب از این نوع هزینه ها از منافع حذف و یا کاهش آن بیشتر باشد موضوع ارتباط بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکت که در این تحقیق قبول گردیده است بیانگر این است که در سطح داخلی و ملی کلیه شرکتهای (بدون توجه به اندازه آنها) هزینه سیاسی متحمل می شوند بنابراین هر شرکتی به اندازه دارایی های خود این نوع هزینه هارا تحمل و به محصولات و خدمات تسهیم می نماید بر این اساس در سطح درونی باید تلاش شرکتهای در کاهش بخش قابل کنترل و قابل اجتناب باشد و در سطح رقابت بین المللی ، دولت می تواند برای پشتیبانی از شرکتهای فعال در سطح بین المللی هزینه های سیاسی اجباری آنها را بوسیله کاهش نرخ مالیات تکلیفی کاهش دهد .

یکی دیگر از نتایج ناشی از این تحقیق به موضوعات اثرات اجتماعی فعالیت های اقتصادی و دامنه نظارت دولتی برای توزیع دوباره ثروت مربوط می گردد با قبول رابطه بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتها و تعریف هزینه هایی به عنوان فعالیت های موفق برای توزیع دوباره ثروت در جامعه می توان نتیجه گرفت که در ایران فعالیت های توزیع دوباره ثروت بدون در نظر گرفتن اندازه شرکت در بر گیرنده کلیه شرکتهای فعال اقتصادی بوده و کلیه شرکتهای فعال به نحوی در افزایش ثروت جامعه

نقش دارند برای اینکه همه شرکتها فعال در پیرامون اقتصادی به ناچار باید هزینه های سیاسی را بر اساس اندازه شرکت تحمل نمایند.

نتایج بدست آمده در این تحقیق با نتایج تحقیقات انجام شده در کشور ما و تحقیقات انجام شده در خارج از کشور تقریباً همسو می باشد و به طور خلاصه نتایج تحقیقات داخلی و خارجی نشان می دهد که بین اندازه شرکتها و هزینه های سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد هرچند که در تحقیقات مختلف هزینه های سیاسی و اندازه شرکتها را از دیدگاههای مختلف مورد پژوهش قرار داده اند.

۱۱. پیشنهاد برای تحقیقات آتی

با توجه به اهمیت هزینه ها در کل و به ویژه هزینه های سیاسی ، پیشنهادها برای انجام پژوهش های آتی در این زمینه به شرح زیر بیان می گردد:

- ۱- بررسی ارتباط بین هزینه های سیاسی و اندازه شرکتها از لحاظ نوع صنعت و بصورت مقایسه ای
- ۲- تعیین اندازه شرکت از معیار های دیگری مانند میزان فروش و ... و ارتباط آن با هزینه های سیاسی
- ۳- چگونگی برخورد حسابرسان با هزینه های سیاسی و راه کارهای آنها برای کاهش یا حذف این نوع از هزینه ها .
- ۴- بررسی اثرات تصمیمات سیاسی بر جریانهای های نقدی شرکتها از لحاظ هزینه های سیاسی .

۱۲. محدودیت های پژوهش

با توجه به ماهیت کارهای پژوهشی طبیعتاً برخی محدودیت ها وجود دارد که موجب عدم شفافیت لازم و نتیجه گیری جامع از آن می گردد اما خوشبختانه در این تحقیق محدودیت اساسی و تاثیر گذار بر نتایج تحقیق وجود نداشت. فقط در مورد انتخاب دوره زمانی، برخی از شرکتها اطلاعات مالی کامل در سالهای بیشتر از دوره زمانی این پژوهش نداشتند و یا اطلاعات آنها ناقص بوده است.

منابع و ماخذ

الف. منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی محمد و شهریاری نادر، ۱۳۸۷ بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی و محافظه کاری در شرکت های ایرانی پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- ۲- بنی مهد بهمن ، ۱۳۸۷، رویکرد نظری گزارشگری ارزش افزوده ، مقاله ارائه شده در هفتمین همایش سراسری حسابداری
- ۳- پور حیدری امید و همتی داوود، ۱۳۸۶، بررسی قرارداد های بدهی ، هزینه های سیاسی ، طرح پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران — بررسی های حسابداری و حسابرسی ، سال یازدهم شماره ۳۶ تابستان
- ۴- حسینی یعقوب ، آمار ناپارامتریک روش تحقیق و نرم افزار آماری (SPSS ۱۰ اس. پی. اس. اس) تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۲.
- ۵- سجادی سید حسین و جلیلی امیر ، ۱۳۸۶ ، حسابداری زیست محیطی مجله حسابدار شماره ۱۸۶
- ۶- سوری زهرا، ۱۳۸۴، بررسی مدیریت سود سرمایه گذاری و تغییرات سود نقدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، (پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز)
- ۷- شباهنگ رضا ۱۳۸۱، تئوری حسابداری جلد دوم، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی ، سازمان حسابرسی
- ۸- نورانی حسین ، ۱۳۸۶، تاثیر هموار سازی سود بر بازده شرکتهای ، مجله حسابدار ، شماره ۱۸۶
- ۹- فیروزی، رحیم ، ۱۳۸۷، بررسی هزینه های سیاسی در شرکتهای مازندران و راه کارهای تعدیل این هزینه ها، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری - دانشگاه مازندران

- ١- Arnold, P (١٩٩٠)" the state and political theory in corporate social disclosure research: a response to Guthrie and parke, advances in public interest accounting "vol ٣
- ٢- chirstopher.c.lkin , ٢٠٠٣ " political cost influences on the determinants of non – audit serricice . theAustralian national uneversite Canberra –www.eco comm. And. Edu.au
- ٣- Craig Deegan, hallam (٢٠٠٣) -*financial accounting theory Australia* Mc Graw -Hill NO.١
- ٤- Darrough. N. M & Pourjali.H &saudagaran .s ١٩٩٨ “ eening management in japans companies” *the international journal of accounting*
- ٥-Jerold L. Zimmerman - Ross L.Watts (٢٠٠٨) Positive accounting theory political costs and social disclosure analyse
- ٦- Jayne Gofrey *accounting theory*, , john Wiley and Sons Australia (٢٠٠٣)
- ٧- Riahi Belkaoui , Ahmad (٢٠٠٠) "*accounting theory* " NO.١
- ٨- Solomons , D(١٩٧٨) " The politicization of accounting " *journal of accounting November*
- ٩-Watts, Ross and Jerold Zimmerman (١٩٨٦) " *positive accounting theory* "NO.١.

The relationship between the size of firms and political costs

Navid Javadi

M.A in Accounting, Islamic Azad University science& research branch Tehran , Iran

Abstract

This research studies the relationship between the size of firms and political costs of the companies admitted in stock exchange of Tehran. The size of companies has been computed based on average of ۳ years assets (۲۰۰۹-۲۰۱۰-۲۰۱۱) and The center years average of company. Accounting to the literature applied in past researches, the political costs has been considered as total costs including tax, insurance, interest free contributions , expenses for preserving environment , and contributing sport activities .

Studying relationship between the size of firms and political costs can help the managers to initiate long-term plant. The achieved results show a significant relation between the size of firms and political costs.

Key words: political costs, size of firms , companies assets